

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٩٨ ٤٦١



دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع:

کودک آزاری والدین

استاد راهنما:

دکتر محمد علی اردبیلی

استاد مشاور:

دکتر نسرین مهرا

کتابخانه دانشگاه قم
شماره ثبت کتاب: ۱۳۸۵/۱۲/۲۷

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۷

صدیقه قاسمی

تایستان ۱۳۸۵

۹۸۶۶۱

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

از زحمات و راهنمایی های ارزنده اساتید گرانقدر دانشکده
جناب آقای دکتر اردبیلی و خانم دکتر مهرا که با راهنمایی و
مشاوره ایشان این پژوهش به سامان رسیده، و همچنین از
جناب آقای دکتر شاملو که زحمت مطالعه و داوری پایان نامه را
نقبل فرمودند نهایت تشکر و سپاس را دارم.

چکیده:

چنانکه گزارش ها و اخبار رسمی و غیر رسمی حکایت دارند در بسیاری موارد کودک توسط نزدیک ترین کسان خود یعنی پدر و مادر مورد آزار و شکنجه قرار گرفته است: پدری که قانونا ولی قهری طفل شناخته می شود و رسالت سرپرستی، ولایت، تربیت و اعتلای طفل را بر دوش دارد در سایه این ولایت قانونی از اختیارات خود سوء استفاده می کند و به آزار جسمی، سرکوب عاطفی و حتی در بعضی موارد سوء استفاده جنسی از کودک اقدام می کند یا در ابقای تکالیف قانونی و عرفی خود در نگهداری و پرورش فکری، روحی و جسمی وی کوتاهی می کند. با این همه حرمت رابطه ابوت و ولایت بر کودک، عدم تعیین حدود دقیق اقدامات والدین راجع به تادیب و تربیت در قانون، امکان تعقیب قضایی شایسته و حمایت مقتضی از کودک میسر نبوده و کودک، قربانی اقدامات غیر انسانی والدین خود می شود.

در قوانین موجود، معیار مشخصی در تعیین حدود اقدامات تادیبی و تربیتی والدین وجود نداشته و همین امر راه را بر آزار کودک توسط آنان هموار می سازد. این قوانین در حمایت از کودک و حقوق بنیادین او به ویژه در کانون خانواده کافی نبوده و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز نتوانسته است خलाهای موجود را پوشاند. با ارائه طرح حمایت از کودکان و نوجوانان انتظار می رفت این خلا قانونی در مورد اطفال و در محیط خانواده پر گردد، لیکن با تصویب ماده ۷ این قانون، اقدامات والدین در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی از شمول قانون فوق مستثنی گردید. بدین ترتیب روزنه امید در مورد امکان تعقیب والدین در جرم آزار و اذیت و شکنجه های روحی و جسمی اطفال مسدود شد. بنابراین تحت عنوان جرم کودک آزاری و به استناد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز نمی توان والدین را تحت تعقیب قرار داد.

بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی تنبیه و تادیب کودکان توسط والدین را تجویز نموده است که به نظر می رسد اعطای این مجوز، کودکان را در معرض انواع آزار و اذیت روحی و جسمی _ به بهانه تادیب و تربیت _ در محیط خانواده قرار می دهد. به نظر می رسد قانونگذار در تصویب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی متأثر از سنت و عرف متداول جامعه بوده و به منظور ضابطه مند نمودن تنبیهات بی حد و حصر و خشونت های خانوادگی قید حدود تادیب و تربیت را اضافه نموده است اما مبرهن است که امروزه و با بالا رفتن سطح آگاهی مردم و لزوم پایبندی به تعهدات بین المللی لازم است که این قیود تغییر یافته و ملاک مشخص دیگری ذکر گردد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۸ مقدمه

۱۳ ۱- سوالات تحقیق

۱۴ ۲- فرضیات

۱۴ ۳- روش تحقیق

۱۴ ۴- مشکلات تحقیق

۱۵ ۵- تقسیم مطالب

بخش اول : آزار جسمی و جنسی ۱۶

۱۸ فصل اول : ابعاد حقوقی آزار جسمی و جنسی

۲۱ مبحث اول : حمایت های قانونی از تمامیت جسمی و جنسی کودک

۲۲ گفتار اول: حمایت های قانونی از تمامیت جسمی

۲۴ بند اول: حمایت از تمامیت جسمی در قانون مجازات اسلامی

۲۷ بند دوم : حمایت از تمامیت جسمی در قوانین خاص

۲۹ بند سوم: حمایت از تمامیت جسمی در اسناد بین المللی

۲۹ گفتار دوم : حمایت های قانونی از تمامیت جنسی

۳۰ بند اول : حمایت از تمامیت جنسی در قانون مجازات اسلامی

۳۵ بند دوم: حمایت از تمامیت جنسی در اسناد بین المللی

۳۷ مبحث دوم : خलाهای قانونی در حمایت از تمامیت جسمی و جنسی کودک

۳۷ گفتار اول : خلاهای قانونی در حمایت از تمامیت جسمی کودک

۳۸ بند اول : خلاهای حمایت از تمامیت جسمی کودک در قانون مدنی

۴۸ بند دوم: خلاهای حمایت از تمامیت جسمی کودک در قانون مجازات اسلامی

۵۵ بند سوم: خلاهای حمایت از تمامیت جسمی کودک در قانون حمایت از کودکان ونوجوانان

- گفتار دوم: خلاهای قانونی در حمایت از تمامیت جنسی ۵۹
- بند اول: زنا با کودک ۵۹
- بند دوم: سوء استفاده از کودک برای فساد و فحشا ۵۹
- بند سوم: هرزه نگاری ۶۰
- فصل دوم: مبانی بزه دیده شناختی آزار جسمی و جنسی ۶۲
- مبحث اول: علل آزار جسمی و جنسی ۶۲
- گفتار اول: علل مربوط به کودک آزار دیده ۶۲
- بند اول: ضعف جسمی و عقلی کودک ۶۳
- بند دوم: جنسیت و ناخواسته بودن کودک ۶۶
- گفتار دوم: علل مربوط به خانواده ۶۸
- بند اول: سن و میزان تحصیلات والدین ۶۹
- بند دوم: سابقه بیماری یا اعتیاد والدین ۷۲
- بند سوم: طلاق ۷۵

مبحث دوم: پیامدهای آزار جسمی و جنسی ۷۶

- گفتار اول: پیامدهای آزار جسمی و جنسی نسبت به کودک ۷۶
- گفتار دوم: پیامدهای آزار جسمی و جنسی نسبت به اجتماع ۸۱

بخش دوم: آزار روانی و غفلت ۸۴

فصل اول: ابعاد حقوقی آزار روانی و غفلت ۸۵

مبحث اول: حمایت های قانونی از سلامت روانی و پرهیز از غفلت ۸۶

- گفتار اول: حمایت های قانونی از سلامت روانی کودک ۸۸
- بند اول: موارد حمایت از سلامت روانی کودک در قانون مدنی ۸۸
- بند دوم: موارد حمایت از سلامت روانی کودک در قانون مجازات اسلامی ۹۴
- بند سوم: موارد حمایت از سلامت روانی کودک در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۹۶
- بند چهارم: موارد حمایت از سلامت روانی کودک در قوانین خاص ۱۰۰
- گفتار دوم: حمایت های قانونی راجع به غفلت از کودک ۱۰۱

بند اول : حمایت های قانونی در قوانین داخلی ۱۰۱

بند دوم : حمایت های قانونی در اسناد بین المللی ۱۰۶

مبحث دوم: خلأهای قانونی در حمایت از سلامت روانی و پرهیز از غفلت .. ۱۰۹

گفتار اول : خلاهای قانونی در حمایت از سلامت روانی ۱۰۹

بند اول: ملاقات با کودک ۱۰۹

بند دوم: ولایت قهری پدر و جد پدری ۱۱۰

بند سوم: عزل ولی قهری ۱۱۱

گفتار دوم: خلاهای قانونی در پرهیز از غفلت ۱۱۲

بند اول: قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۱۲

بند دوم: قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی ۱۱۳

فصل دوم: مبانی بزه دیده شناختی آزار روانی و غفلت ۱۱۶

مبحث اول : علل آزار روانی و غفلت ۱۱۸

گفتار اول : علل مربوط به کودک آزار دیده ۱۱۸

گفتار دوم : علل مربوط به والدین آزار گر ۱۲۱

بند اول: آداب و رسوم ، نگرشهای مذهبی و فرهنگ خانواده ۱۲۱

بند دوم: جمعیت خانواده ۱۲۱

بند سوم: اقتصاد خانواده ۱۲۲

مبحث دوم : پیامدهای آزار روانی و غفلت ۱۲۳

گفتار اول : پیامدهای آزار روانی و غفلت نسبت به کودک ۱۲۳

گفتار دوم : پیامدهای آزار روانی و غفلت نسبت به اجتماع ۱۲۵

نتیجه گیری : ۱۲۷

فهرست منابع ۱۳۱

الف) کتب ۱۳۱

ب) مقالات ۱۳۲

ج) پایان نامه ها و تحقیقات ۱۳۳

مقدمه

آزار کودک توسط والدین امری است نسبی که مفهوم آن در فرهنگهای گوناگون، متفاوت است؛ به گونه ای که برخی از جنبه های رفتاری نسبت به کودک در بعضی از فرهنگها، امری طبیعی است، حال آنکه همان رفتار در نگرش مردمانی با فرهنگ دیگر، می تواند نوعی کودک آزاری تلقی گردد. دلیل این امر این است که هیچ معیار مشخصی برای تربیت کودک وجود ندارد. بنابراین این که چه مسائلی از مصادیق کودک آزاری است و ملاک تشخیص کدام است، به آسانی قابل تعیین نمی باشد.^۱

در اینجا این سؤال مطرح می شود که آیا هر نوع عملی که سبب رنجش کودک می شود، نوعی کودک آزاری است؟ برای مثال آیا سوراخ کردن گوش کودک را که در فرهنگ ما و برخی از فرهنگها به منظور زیبایی انجام می دهند، می توان آزار کودک تلقی کرد یا خیر؟ قنடاق کردن نوزاد که سبب حرکت نکردن وی می شود، گرفتن دستهای کودک مریض و خوراندن دارو به وی، اجبار به انجام تکالیف باخط خوش یا الزاماً کسب نمره بیست و مثال هایی از این قبیل که جای بحث دارد.

پیدا است برخی از این اعمال از دید مردم یک جامعه نه تنها عملی زشت نیست، بلکه بعضاً دارای

^۱ - سرمست بناب، باقر. «کودک آزاری در ابعاد حقوقی و اجتماعی». روزنامه ماوی، شماره ۲۵۵، دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۲، ص ۵۲.

کارکردی مفید نیز می باشد. پس در اطلاق عنوان کودک آزاری باید ارزشهای فرهنگی و آداب و رسوم مردم جامعه را نیز در نظر داشت.

حدود کودک آزاری از محروم ساختن کودک از غذا، لباس، سرپناه و محبت پدر و مادر تا مواردی که در آن کودکان از نظر جسمی از سوی یک فرد بالغ مورد آزار و بدرفتاری قرار می گیرند- که آشکارا به صدمه دیدن و غالباً مرگ آنان منجر می شود - را شامل می گردد. بسیاری از کودکان مورد آزار جنسی قرار گرفته اند، گرسنگی کشیده اند، سوزانده شده اند، کتک خورده اند، زخمی شده اند، به میز و صندلی زنجیر یا محبوس گشته اند و شمار بسیاری از این کودکان در نتیجه شدت این گونه بد رفتاری ها حیات خود را ازدست داده اند.

در بسیاری از موارد، کودکان قربانی بیش از یک نوع بد رفتاری هستند و مرتکبین، والدین یا اعضاء خانواده، مراقبین کودک همچون آموزگار و پرستار او می باشند.

به طور کلی واژه « کودک آزاری » بر ۴ نوع از بد رفتاری با کودکان اطلاق می گردد که عبارتند از:

۱. آزار جسمی (physical Abuse)
۲. آزار جنسی (sexual Abuse)
۳. آزار عاطفی (Emotional Abuse)
۴. غفلت (Neglect)

به منظور روشن شدن تعریف و مصادیق هر یک از موارد فوق ذیلا به شرح مختصری از آنها می پردازیم.

(۱) آزار جسمی: قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۸۸ آزار بدنی را چنین تعریف می کند:

« آسیب دیدن و صدمه دیدگی کودک زیر ۱۸ سال، توسط والدین یا سرپرست بلا فصل وی که مسئول رفاه و آسایش اوست، به طوری که سلامت و ایمنی کودک طبق قوانین تدوین شده به

وسیله وزارت بهداشت و خدمات انسانی به خطر افتاده باشد.»

خشونت شدید بر اساس این شاخص شامل، لگدزدن، بامشت ضربه زدن، سوزاندن، گاز گرفتن، پرت کردن، سیلی زدن و ... می باشد. ضرب و جرح، ساده ترین و شایع ترین گونه کودک آزاری است که می تواند بطور مستقیم و یا غیر مستقیم وارد آید. ضربه های کوچک و ضعیف معمولاً اثری برجای نمی گذارد. ضربه های مستقیم غالباً بادست و لگد انجام می گیرد؛ ولی هرچیز دم دست می تواند مورد استفاده قرار گیرد مانند کفش، قاشق و ... و در مراحل سخت تر چوب، سنگ، آجر، چکش، شلاق و امثال آنها به کار می رود و گاهی نیشگون گرفتن نیز شایع است. ضربه های غیرمستقیم که در آن مرتکب سبب ایراد ضربه و آزار می شود (تسبیب) عبارتند از: پرت کردن و به زمین زدن، هل دادن و انداختن از پلکان، میز، صندلی، پشت بام.

سخت ترین شکل آزار جسمی، قتل کودک در اثر آزار وارده می باشد که چنانچه آزار منجر به قتل، توسط والدین اتفاق افتاده باشد «فرزندکشی» نامیده می شود.

در بسیاری از موارد، بدرفتاری جسمی در «تنبیه نامناسب» ریشه داشته که می توان آن را چنین تعریف نمود: صدمه جسمی عمدی کودک به وسیله والدین یا سرپرست او که دامنه آن از کبود کردن سطحی بدن تا شکستن استخوانها و صدمات داخلی جدی است و حتی ممکن است منجر به مرگ کودک در برخی موارد شود.^۲

آمارها بیانگر این واقعیت تلخند که بعضی از کودکان در اثر ضرب و شتم و بعضی در اثر اختلافهای خانوادگی بین پدر و مادر و برخی در اثر آزار جنسی و بعضی هم با چاقو به قتل رسیده اند.

^۲ - محمدی فرود، حمید. «کودک آزاری»، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال هفتم، شماره ۸۰ و ۸۱، ص ۲۲.

در فاصله یک سال (از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳) ۸۸ مورد قتل کودکان گزارش شده است. این رقم اعم از فرزندکشی و یا قتل کودکان به وسیله دیگران و یا اقدام به قتل بوده است. مانند کودکی که توسط والدین خویش، زنده به گور شده بود و جسد نیمه جان او کشف شد.^۳

۲) آزار جنسی: سوء استفاده جنسی از کودکان ظالمانه ترین و اهانت آمیزترین تجربه انسانی است. مرکز ملی سوء استفاده و غفلت، سوء استفاده جنسی را چنین تعریف می کند: «تماسها یا مقاربت های جنسی بین کودک و بزرگسال، در شرایطی که کودک به منظور تحریک جنسی آن مرد یا شخص دیگر مورد سوء استفاده قرار می گیرد.»

بنا بر تعریف دیگر، آزار جنسی عبارت است از «استفاده از کودک برای لذت بردن یک فرد بزرگسال برای ارضای نیازها یا تمایلات جنسی خود.»^۴

برخلاف آزار جسمانی کودک که نمادی آشکار دارد، مسئله سوء استفاده جنسی از کودک بیشتر اوقات به صورت رازی پنهان میان سوء استفاده شونده و سوء استفاده کننده باقی می ماند. ترس کودک از کسی که توسط وی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته است، به دلیل تهدید وی نسبت به افشاء موضوع از طرفی و قبیح و زشتی مسأله از طرف دیگر، سبب می شود که موضوع سوء استفاده جنسی از کودک برملا نگردد. به همین دلیل آمار گزارش های رسیده در زمینه سوء استفاده جنسی از کودکان، بسیار کمتر از میزان واقعی شیوع این پدیده در هر جامعه است.

بر پایه گزارش پزشکی قانونی کشور (استان تهران) از کل مواردی که در این مرکز به عنوان کودک آزاری تشخیص داده می شود، ۲۵ درصد موارد، مربوط به کودک آزاری جنسی است

^۳ - باقی، عماد الدین. « گونه شناسی حقوق پایمال شده کودک در ایران » فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۱۶ بهار ۱۳۸۴ ص

^۴ - محمدی فرود، حمید. منبع پیشین، ص ۲۳.

وبیشترین فراوانی آن مربوط به جنوب شهر تهران بوده است.^۵

از ۲۲۰ مورد آزارجنسی گزارش شده در سال ۸۳-۸۲ سه مورد توسط پدر رخ داده که یک دختر و دو پسر بوده اند.

۳) آزار عاطفی (روانی): رفتارها و نگرش های منفی مداوم به صورت کلامی یا غیر کلامی که بر احساسات کودک، عزت نفس، اعتماد به نفس و تعامل وی با دیگران تاثیر بگذارد و یا سبب بهم خوردن تعادل روانی - عاطفی کودک گردد را آزار عاطفی گویند. به عبارت دیگر طرد کردن، منزوی کردن، ترساندن مداوم کودک و تحقیر او به طوری که کودک احساس پوچی، بی کفایتی و بی ارزشی نماید، نمونه های بارز آزار عاطفی به شمار می آیند.

کنفرانس بین المللی سال ۱۹۸۳ بدرفتاری روانی را چنین تعریف کرده است: «هرگونه رفتار با کودک که طبق استانداردهای اجتماعی و از نظر متخصصان، از نظر روان شناختی، آسیب زا باشد؛ یعنی هرگونه رفتاری که بر عملکرد رفتاری - شناختی و عاطفی و جسمی کودک تاثیر سوء داشته باشد، بد رفتاری با کودک خوانده می شود.»

تبعیض میان دو جنس از مصادیق بارز آزار عاطفی و یا روانی است که متأسفانه در بسیاری از خانواده های با تفکر برتری پسر بر دختر، حاکم می باشد. در این میان بیشتر دختران در برابر پسران قربانی می شوند. طرز تفکرهای غلط، پیش زمینه های ذهنی، افکار قالبی و تصورات منفی در مورد جنس مؤنث و اعتقاد نداشتن به توانمندی و کارایی آنان سبب می شود که دختر بچه ها از همان اوان کودکی مورد بی توجهی قرار گرفته، به لحاظ روحی و عاطفی آسیب ببینند.

همچنین پدر و مادری که دائماً فرزند خود را تحقیر و سرزنش می نمایند و در مقام انتقاد از او

^۵ - کاهانی، علیرضا. «کودک آزاری جسمانی عمدی»، مجله پزشکی قانونی، سال دوم، شماره دهم، مهر و آبان ۱۳۷۵.

برمی آیند، وی رابا همسالانش مقایسه می کنند، والدینی که برای فرزند خود مقررات و کنترل های شدیدی در نظر می گیرند، کسانی که انتظارات بیش از حد از کودک خود دارند و... ، همگی کودک خود را در معرض فشارهای روحی و روانی شدید قرار می دهند.

۴) غفلت (Neglect) : غفلت از کودک به معنای حذف یا نادیده گرفتن کودک است؛ به گونه

ای که گاهی به نیازهای اولیه او نیز بی توجهی می شود. مهمترین مصادیق غفلت عبارتند از:

۱- عدم رسیدگی به وضعیت تغذیه کودک که سوء تغذیه و گاهاً مرگ او را در پی خواهد داشت.

۲- عدم رسیدگی به وضعیت تحصیلی، بی توجهی به ترک تحصیل و یا فرار از مدرسه؛

۳- عدم توجه به بهداشت کودک؛

۴- محبت نکردن کافی به کودک؛

۵- بد رفتاری شدید و یا اعمال خشونت جسمی نسبت به همسر در حضور کودک.^۱

۱- سوالات تحقیق

۱. منظور از آزار جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت توسط والدین چیست؟

۲. آیا در بیان مصادیق آزار، وضعیت معیشتی و فرهنگی محل زندگی والدین، تحصیلات و

فقر و تمول آنان نیز مورد ملاحظه قرار می گیرد؟

۳. حدود اقدامات تادیبی و تربیتی والدین تا کجاست؟ آیا معیار مشخصی در تعیین حدود

این اقدامات از اعمال شکنجه گرانه وجود دارد؟

۴. آیا غفلت و مسامحه در تربیت و نگهداری کودک هم آزار محسوب می شود؟

^۱ - پور ناجی، بنفشه. «مرگ خاموش، نگاهی به پدیده کودک آزاری در ایران» انتشارات همشهری، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۱۵۴-۱۶۰.

۲- فرضیات

۱. کودک آزاری پدیده ایست نسبی؛ در فرهنگها، محیط های اجتماعی و اقشار مختلف، معانی و جلوه های متفاوتی داشته و در تشخیص آن لزوما باید آداب و رسوم و عادات حاکم را مورد توجه قرار داد.
۲. در قوانین موجود، معیار مشخصی در تعیین حدود اقدامات تادیبی و تربیتی والدین وجود نداشته و همین امر راه را بر آزار کودک توسط آنان هموار می سازد.
۳. قوانین موجود در حمایت از کودک و حقوق بنیادین او به ویژه در کانون خانواده کارآمد نبوده و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز نتوانسته است خلاهای موجود را پوشاند.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر بر مبنای تتبع و مطالعه در منابع کتابخانه ای و اینترنتی انجام پذیرفته است. در این راستا از برخی کتب و مقالات لاتین نیز بهره برده ام؛ لیکن نظر به اینکه چارچوب و زمینه بحث، حقوق ایران و به ویژه قانون مجازات اسلامی بوده از منابع لاتین در متن تحقیق چندان یاد نشده است. در این تحقیق، تلاش بر آن بوده تا علاوه بر استفاده از منابع نگاشته شده مرتبط از تجربه قضایی نگارنده در ارتباط مستقیم با نمونه های واقعی دادرسی ناحیه ۲۵ (ویژه رسیدگی به امور صغار و محجورین) نیز استفاده شده و نوشته حاضر را از حالت نظری صرف خارج ساخته و با عمل در آمیزد.

۴- مشکلات تحقیق

عدم وجود آمار واقعی و منطبق با واقعیت، مهمترین مشکل در تحلیل محتوای رساله حاضر

بوده است. دشواری این امر زمانی روشن می شود که ما در نظر داشته باشیم که نظریه صواب و نزدیک به واقع راجع به این موضوع مستلزم اطلاع از موارد اتفاق افتاده و جزئیات مربوطه است و این در حالی است که به لحاظ حفظ اسرار خانواده، ترس کودک از اعضای خانواده و شکنجه ها و تنبیهات بعدی یا ترس از تنها ماندن و یا حتی عادت کودک به تنبیهات و رفتارهای تند والدین و معمولی شدن آنها با گذشت زمان، امکان دسترسی و اطلاع از موارد پیش آمده مقدور نمی باشد.

۵- تقسیم مطالب

به طور کلی آزار کودک در چهار قسم قابل مطالعه است. رساله حاضر مشتمل بر دو بخش می باشد: بخش اول به آزار جسمی و جنسی کودک اختصاص یافته است و در بخش دوم آزار روانی و غفلت مورد توجه قرار گرفته است. در هر بخش در قالب دو فصل ابتدا به بیان حمایت های قانونی پرداخته سپس خلاهای موجود را بیان نموده ایم. در ذیل هر فصل نیز آثار و پیامدهای آزار بر حسب موضوع مورد بحث قرار گرفته است.

بخش اول : آزار جسمی و جنسی

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، آزار نسبت به کودک را می توان به ۴ نوع تقسیم نمود. به منظور بررسی دقیق تر موضوع، دربخش اول، آزار جسمی و جنسی و در بخش دوم آزار روانی(عاطفی) و غفلت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در بیان آزار جسمی و جنسی، ابتدا ابعاد حقوقی(حمایت ها- خلأها) و سپس مبانی بزه دیده شناختی آن(علل و زمینه ها- آثار و پیامدها) را در دو فصل بررسی خواهیم نمود.

منظور از آزار جسمی رفتارهای آزاردهنده ای است که موضوع آن جسم و جان افراد است. جرایمی که حق حیات انسان و اصل مصونیت جسم او از تعدی و تعرض را هدف قرار می دهند. تعرض به تمامیت جسمانی افراد، گاه منتهی به حدوث مرگ می شود و گاه نتایج خفیف تری را به صورت ضرب و جرح، قطع عضو و یا زائل شدن منافع در پی دارد.

آزار جنسی کودکان نیز در یک تقسیم بندی کلی شامل جرائم جنسی علیه کودکان و بهره برداری از آنها در فعالیت های مجرمانه جنسی می گردد.

فصل اول : ابعاد حقوقی آزار جسمی و جنسی

به منظور بررسی ابعاد حقوقی آزار جسمی و جنسی کودک ، لازم است ابتداءً حمایت های قانونی موجود در این خصوص را مورد توجه قرار داده ، در یابیم که قانونگذار چه تدابیری را به منظور حمایت از تمامیت جسمی و جنسی کودکان اندیشیده و چه مجازات هایی را برای متجاوزین به این تمامیت پیش بینی کرده است؟ آن گاه به بررسی این مساله پردازیم که تدابیر تقیینی موجود تا چه اندازه می تواند تمامیت جسمی و جنسی کودک را تامین کند، خلاء های موجود کجاست و راه حل ممکن کدام است ؟

از آنجا که موضوع اصلی رساله حاضر بررسی بزه دیدگی کودک در محیط خانواده می باشد، تکیه بحث ما بیشتر بر خلاء های قانونی حمایت از کودک در مقابل اقدامات والدین است. اما یافتن این خلاء ها مستلزم برشمردن حقوق کودک است . به همین منظور و اهم حمایت های قانونی موجود را مورد توجه قرار داده و سپس به کاستی ها می پردازیم تا نشان دهیم کدام قوانین راه را بر آزار کودک توسط والدین هموار می سازد .

به طور کلی، قانون مجازات اسلامی در خصوص مجرمی که کودک را قربانی جرم خود قرار می دهد ، رویه های متفاوتی را در پیش گرفته است . گاه کودک بزه دیده را موجب تخفیف مجازات و گاه از موجبات تشدید مجازات می داند. گاه نیز به منظور حمایت ویژه از کودکان، ارتکاب اعمالی را که نسبت به بزرگسالان جرم نیست، نسبت به کودکان جرم دانسته است.

تخفیف مجازات : مقنن در مواردی کودک بزه دیده را موجب تخفیف مجازات می داند. مثلاً در جرم قذف که مستوجب حد (هشتاد ضربه شلاق) می باشد ، در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی شرط اجرای حد را علاوه بر بلوغ ، عقل ، اختیار و قصد قذف کننده؛ بلوغ ، عقل ،

اسلام و عفت قذف شونده، بیان نموده است. همچنین در ماده ۱۴۷ همان قانون، انسان بالغ و عاقلی که شخص نابالغ را قذف کند، مستوجب تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق می‌داند.

ملاحظه می‌گردد که نابالغ بودن بزه دیده، موجب تخفیف مجازات مرتکب از ۸۰ ضربه شلاق حدی به «تا ۷۴ ضربه شلاق» تعزیری گردیده است. در جرم زنا نیز چنانچه پسر نابالغی، آلت دست زنی شوهردار قرار گرفته باشد و زن، مرتکب عمل زنا با او شود، حد رجم ساقط شده و زن به صد ضربه شلاق (حد جلد) محکوم خواهد شد.^۷

گاه نیز مقنن، طفل بودن مجنی علیه را از موارد تاخیر در صدور حکم می‌داند. ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی در بحث قصاص دندان، شرط قصاص را اصل بودن دندان دانسته و بیان می‌دارد: «اگر مجنی علیه طفل باشد، باید صدور حکم به مدت متعارف به تاخیر افتد...» چنانچه کودک دندان جدید درآورد، مجرم از قصاص رهایی یافته و محکوم به پرداخت ارش گردد.

تشدید مجازات: از جمله مواردی که کودکی بزه دیده، موجب تشدید مجازات مرتکب می‌گردد؛ می‌توان به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود.

مطابق ماده فوق، «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال، یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر، به عنف یا تهدید یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد و در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد... مرتکب به حد اکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد...»

ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی در باب دیات، برای از بین بردن حس شنوایی مجموع دوگوش، دیه کامل را پیش بینی نموده و سپس در ماده ۴۵۳ تصریح می‌دارد: چنانچه مجنی علیه

^۷ - تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی.

طفل باشد ، به علت ضایعه وارد شده به قدرت تکلم کودک در اثر ناشنوایی ، علاوه بر پرداخت دیه کامل ، جانی محکوم به پرداخت ارش نیز می گردد.^۸

جرم انگاری: در مواردی نیز مقنن ، ارتکاب عملی را که فی نفسه جرم نیست ، نسبت به صغیر و غیر رشید، جرم و قابل مجازات دانسته است. از جمله می توان به ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. این ماده برای شخصی که با استفاده از ضعف نفس افراد غیر رشید و به ضرر آنها ، نوشته یا سندی را- اعم از تجاری یا غیر تجاری- تحصیل نماید که به نحوی موجب التزام غیر رشید یا براءت ذمه دیگری شود ، علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال محکوم پیش بینی نموده است.^۹

این جرم که در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ از صور خاص خیانت در امانت ذکر شده بود ، در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) ۱۳۷۵ در باب کلاهبرداری گنجانده شد. بدیهی است تحقق رکن مادی جرم کلاهبرداری، علاوه بر رفتار فیزیکی (توسل به وسایل متقلبانه)، نیازمند شرایط و اوضاع و احوال خاص، شامل متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده مرتکب، اغفال قربانی و تعلق مال برده شده به دیگری است و در صورت فقدان هر یک، جرم تحقق نمی یابد. اما مقنن در مواردی که مجنی علیه کودک و غیر رشید است، جمع شرایط فوق

^۸ - ماده ۴۵۳ ق.م.ا مقرر می دارد: « هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کرشدن نتواند سخن بگوید ، جانی علاوه بر دیه شنوایی به پرداخت ارش محکوم می گردد . »

^۹ - ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: « هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات ، سفته ، چک ، حواله، قبض و یا مفاصحساب و یا هرگونه نوشته ای که موجب التزام وی یا براءت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگری می شود به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود و اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارت مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود . »